



آزاده ، تولنیزه ، فرهنگی  
او نشراتی ارگان

بسم الله الرحمن الرحيم

د سعیدافغانی د سولی او تفاهم ، نشراتی ارگان

www.said-afghani.org

استقامت په ژوند کې او متانت په کارنو کې  
د موفقیت راز دی . « سعید افغانی »



Dr. M. Said Said Afghani

د سعید افغانی : آزاده ، تولنیزه ، علمی ، فرهنگی او نشراتی ارگان ته بڼه راغلاست!



تاریخ نشر پکښه ۱۸ سرطان ۱۳۹۱ - هشتم جولای ۲۰۱۲

## حکایت ۱۸۱

خردمند کوشد کز آتش رهد — نه خود را به سوزنده آتش دهد

( اسدی )

### نتیجه ء بی اتفاقی

در سال ( ۷۹۵ ) هجری امیر تیمور کورگانی بر شیراز حمله برد و شاه منصور بن مظفر که بعد از شاه شجاع در آن دیار حکمرانی میکرد پس از یک زد و خورد خونین بدست ملازمان شاهرخ سلطان پسر امیر تیمور به قتل رسید و تیمور بر شیراز و عراق مسلط شد . شاه شجاع در زمان حیات خود با تیمور مکاتبه داشت و باطمینان همین مکاتبات ، هنگامی که در بستر مرگ بود ، وصیتنامه ای نوشت و آنرا نزد امیر تیمور فرستاد و اظهار امید نمود که امیر تیمور مواد آنرا اجراء کند .

از جملهء مطالبی که در وصیتنامهء مذکور درج شده بود ، توصیه در بارهء فرزندش سلطان زین العابدین و دیگر برادر زاده گان و بنی اعمامش بود که عین عبارت قسمتی از آن در اینجا نقل میشود:

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی  
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

« بنا بر صدق و خلوص نیت و صفائی طویت که نسبت با حضرت معدلت پناهی از آفتاب روشن تر است واجب دید صورت حال آنها کردن که فرزند دلبنم زین العابدین طول الله عمره فی ظل عنایتکم کاورا بخدا و بخداوند سپردم و دیگر فرزندان و برادران و برادر زادگانم را بجناب مملکت پناهی سفارش نمودن احتیاج نمیدانم» و بعد از آن خواهش کرده بود که امیر تیمور « بقاعده مستمره ایشانرا با جمعهم بجناب مبارک خود مخصوص فرمایند»

بعد از اینکه شاه منصور کشته شد و تیمور بر شیراز و عراق دست یافت شاهزاده گان آل مظفر که علاوه بر سلطان زین العابدین ، شش نفر دیگر یعنی عماد الدین احمد و سلطان مهدی و معزالدین جهانگیر و سلطان محمد و سلطان ابو اسحق و سلطان شبلی بودند و هرکدام در گوشه ای فرمانروائی میکردند ، بطمع آنکه تیمور ولایت مسخر شده را بایشان خواهد سپرد بدرگاه وی رفتند و او نیز از ایشان بگرمی پذیرائی کرد و مقارن همان اوقات عده ای از مشایخ وزعماء فارس و عراق درباره حرکات ناپسند خاندان مظفری سخنانی به تیمور گفتند و او را نسبت به آن خاندان خشمگین ساختند.

روز دوشنبه ۲۳ جمادی الاخری ۷۹۵ امیر تیمور باتفاق شاهزاده گان مذکور بطرف اصفهان روان شد و دربین راه در منزل مهیا رقمشده اصفهان آن هفت نفر را در یک جا نشانید و درسر یک سفره غذا خورانید. ناگهان فکری بخاطرش رسید و از آنان پرسید:

آیا شما هرگز مثل امروز با یکدیگر در سر یک سفره طعام خورده اید و یک جا نشسته اید؟

سلطان ابو اسحاق نواسه شاه شجاع در جواب گفت :

« اگر ما را این اتفاق بودی حضرت خاقانی به عراق چگونه مدخل یافتی؟؟»

گفتن این جواب همان بود و صدور فرمان قتل ایشان همان ، و تیمور امر نمود تا خورد و بزرگ ایشان را بقتل رسانیدند و بولایات دیگر نیز فرمان قتل منسوبان آل مظفر صادر شد و در حدود هتاد تن از ایشان اعدام شدند و تنها سلطان زین العابدین و سلطان شبلی که هر دو کور بودند زنده به سمرقند فرستاده شدند و یکی از شعراء آن عصر در باره این قتل عام خاندان مظفری گفته است :

به عبرت نظر کن به آل مظفر - شهبانی که گوی از سلاطین ربودند

که در هفتصد و پنج و تسعین زهجرت - دهم شب ز ماه رجب چون غنودند

چو خرما بنان در زمان ها پرستند - چو تره به اندک زمانی درودند

سلسله این حکایات ادامه دارد

ناشر : سایت وزین ۲۴ ساعت [www.24sahat.com](http://www.24sahat.com)

بازگشت به صفحه اصلی

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org)

---

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی  
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است